

ظاهر و باطن در مصاحبه های

اخیر اعلیحضرت

امیر فیض- حقوقدان

ظاهر یکم: در مصاحبه های اخیر اعلیحضرت که پشت سرهم و از جمله با بی بی سی انجام شده ظاهری تحقیر آمیز و غیر مسئولانه داشته است که با فرهنگ و رسم و رسوم ایرانیان سازگاری نداشت و ندارد. گرچه مراتب مزبور، و لزوم رعایت آن مورد توجه اعلیحضرت نیست و شخصیت ها خودشان قاعدتا نباید خواستار رعایت آن باشند ولی مسلم است که فرهنگ دوستان و ایرانیان باملیت و هویت ایرانی نباید نسبت به مهم مزبور بی تفاوت باشند؛ ضرب المثل، «احترام امامزاده بامتولی است» بیان کننده مطلب است.

ظاهر دوم، برجم است

حضور پرچم جمهوری اسلامی و مصاحبه زیر آن، به معنای هویت سیاسی و تبعیت از نظم و اصولی است که پرچم نماد آن است، هیچ شرطی در مصاحبه ها نیست که مصاحبه زیر پرچم کشور مصاحبه کننده و یا کشور مصاحبه شونده اجرا شود در حالیکه در مصاحبه بی - بی - سی مصاحبه با اعلیحضرت زیر سایه پرچم جمهوری اسلامی صورت گرفته است، (مجری برنامه هو ادوارد) و متقابلا مصاحبه بی - بی - سی بتصدی خاتم نگین شیر آقائی که اعلیحضرت را رئیس شورای ایرانیان خواند، از پرچم جمهوری اسلامی اثری نبود و از آن مهمتر در مصاحبه خانم مسیح علینژاد، که بعنوان گزارشگر جمهوری اسلامی معرفی شده نه تنها پرچم جمهوری اسلامی نبود بلکه پرچم شیروخورشید نشان ایران بود - در مصاحبه افق (برنامه صدای آمریکا هم نه پرچم آمریکا بود و نه پرچم شیروخورشید).

حساسیت به موضوع پرچم نه از باب یک علامت و یا پارچه رنگین است بلکه وقتی همان علامت و پارچه رنگین در قانون اساسی کشوری مشخص و تصریح و معرفی شد معنایش این است که وقتی درجانی نصب بود هم آن مکان و هم کسانی که زیرا آن پرچم قرار دارند مقید به رعایت آن قانون اساسی و مراتب مصرحه در آن میباشند.

پرچم هردولت و کشوری تجسم هویت ملی و هویت سیاسی آن کشور است و اگر آن پرچم، در قانون اساسی برسمیت شناخته شده باشد علامت انسجام اجتماعی و قانونی آن ملت است. **پرچم قادر به سخن گفتن**

نیست ولی چون در قانون اساسی پیاده شده سخنش قانون اساسی است.

چرا مخالفان جمهوری اسلامی در تظاهرات خودشان از پرچم جمهوری اسلامی استفاده نمیکنند و پرچم شیروخورشید را بکار میبرند؟ برای آنکه با جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن مخالفند.

چرا اعلیحضرت بجای علامت پرچم شیروخورشید که در لباسشان استفاده میفرمایند از علامت پرچم جمهوری اسلامی استفاده نمیکنند؟ زیرا معتقد به حقانیت جمهوری اسلامی و در نهایت خود راملزم به

تبعیت از جمهوری اسلامی نمیدانند؟ چرا اعلیحضرت درنهم آبان سال ۱۳۵۹ درمقابل پرچم شیروخورشید سوگند یاد فرمودند نه پرچم جمهوری اسلامی؟ به همان دلایل که معلوم است.

بنابراین منطق عقلانی اجازه نمیدهد که ایشان زیرپرچم جمهوری اسلامی مصاحبه بفرمایند. **شرائط**

انجام مصاحبه با مصاحبه شونده است نه مصاحبه کننده.^۱

ممکن است اعلیحضرت به عبارت مصطلح خودشان متوسل شوند که فرقی بین پرچم جمهوری اسلامی و پرچم شاهنشاهی ایران نیست و همانطور که بین رژیم پادشاهی و جمهوری قائل به تفاوت نیستند همان بارزه بی محل رادرمورد پرچم هم بکاربندند. (!!)

اعلیحضرت جوان کم وسن و سال و بی تجربه نیستند که دیگران باید مساعد بودن و یانبودن محل را یاد آورشان بشوند، خودشان وقتی میبینند که مصاحبه زیرپرچم منحوس جمهوری اسلامی است باید نامساعد بودن محیط را برای مصاحبه تشخیص بدهند، این تشخیص، چیزی از شخصیت ایشان نمی گاهد وحتما نشانه بصیرت و هشیاری و رعایت منطق و اصول است.

حاشیه = درجائی خواندم که آمده بود >عابدی گفت؛ ای شیخ این عیال که اختیارجستی نه باکره است که باکره چهل حمله است شیخ چون بشنید گفت ماهیت بضع، بی تفاوت است<

دفاع آقای ساوس آذری

آقای سیاوش آذری در دفاع از مصاحبه اعلحضرت در زیرپرچم جمهوری اسلامی، متمسک شده که:

- ۱- چون جمهوری اسلامی منحوس طبق پروتکل برسمیت شناخته شده آمریکا و اتحادیه اروپا است مراکز خبری به تبعیت از دولتهای متبوع خود >از پرچم اجق ووجق و من در آوردی جمهوری اسلامی یاد میکنند و یا قبولش دارند<
- ۲- عقیده شاهزاده براین است که باید در هر شرائطی مطرح بود و حرف خود را زد.

این کاملا درست است چراکه در غیر اینصورت، سخنی از یک ملت معترض به گوشها نمیرسد. (پایان نوشته آقای آذری)



- ۱- شناسائی یک کشور از جانب سازمان ملل متحد، با تبعیت خبرگزارها و مصاحبه کنندگان، از دولتهای متبوع خود تفاوت فاحش دارد. هیچ تصمیم سازمان ملل و یا پروتکل هائی در جهت اصالت ادعای آقای آذری وجود ندارد، پروتکل نزاکت های بین المللی ناظر بر این تشریفات است، در مراسمی که

^۱ - این شرایط را بایستی کسانی که دست در تدارک گفتگو های رسانه ای اعلیحضرت دارند با «اعتقاد» رعایت کنند. شوربختانه این افراد به دلیل عدم آشنایی به «اعتقاد» راستین تابع احساسات شده و با رعایت «ابن الوقت» بودن و با فکر اینکه از هر موقعیتی استفاده شود، تن به هر دلتی میدهند و نتیجه اش بی آبرویی برای شخصیت و مقام اعلیحضرت و توهین به مردم ایران است. ح-ک

نمایندگان رسمی کشورها حضور دارند پرچم کشورشان هم در اهتزاز است نه آنچه که آقای آذری از خودش ساخته.^۲

به عبارت بکاررفته ایشان (از پرچم جمهوری اسلامی یاد میکنند و یاقبولش دارند) توجه کنید که ایشان وقتی هم که خواسته چیزی از خودش در آورد نتوانسته سروته آنرا درست بهم وصله کند.

اگر بزرگم آقای سیاوش آذری، پرچم جمهوری اسلامی اجق و وجق (رنگهاها و علامت نامانوس) و من در آوردم است (پرچم کشورها من در آوردم نیست) تاثیر حقوقی آن همان رسمی بودن پرچم است وزیر آن نشستن بیعت با همان رژیم صاحب پرچم است.

آقای آذری، اینها همه از یاب دو رونی است هنوز موضوع شورای ناپیدا و حرفهای شما فراموش نشده، یک یادگاری تقدیم شماست که هر وقت خواستید چیزی بنویسید و یا بگویند این جمله معروف و پرمعنا را منظور دارید < آدم دورو باید درو شود >

۲- خبرگزاریها آزاد و مستقل هستند بغیر از خبرگزاری جمهوری اسلامی که تحت کنترل میباشد.

تعجب میکنم از آقای آذری که از این اصل کلی در رابطه با خبرگزاریها بی اطلاع است و انگهی رعایت سیاست دولت متبوع چه ارتباطی به گذاردن پرچم جمهوری اسلامی در مصاحبه دارد که نه بی بی سی خود را وابسته به دولت انگلستان میداند و نه دولت انگلستان چنین ادعایی دارد و نه مصاحبه کننده یک شخصیت سیاسی وابسته به جمهوری اسلامی است و نه مصاحبه شونده حقوق بگیر جمهوری اسلامی است

۳- آنطور که آقای سیاوش آذری به دفاع برخاسته نشانه این است که ایشان ترتیب دهنده مصاحبه بوده است، آیا اگر ایشان خواستار نصب پرچم شیروخورشید ایران میشدند مصاحبه صورت نمیگرفت؟ و بی بی سی برای حفظ حالت بیطرفی که همواره مدعی آن است لااقل پرچم جمهوری اسلامی را از صحنه مصاحبه برنمیداشت؟ بفرض که برنمیداشت این مصاحبه چه دستاوردی داشت که خفت بیعت با جمهوری اسلامی را متوجه اعلیحضرت بسازد؟

۴- نمونه هائی در ابتدای این تحریر ارائه شد تا یقین شود که ادعای آقای آذری چقدر خام و ناپخته است، همین خبرگزاری بی بی سی در دو مصاحبه بفاصله سه روز در یکی از پرچم جمهوری اسلامی استفاده کرده و در دیگری نکرده است و خانم مسیح علینژاد که مصاحبه کننده وابسته به جمهوری اسلامی و در وزارت اطلاعات و مجلس جمهوری اسلامی فعال است در مصاحبه با اعلیحضرت از پرچم نحس و غاصبانه جمهوری اسلامی استفاده نکرد. شاید هم اگر آقای آذری در آن مصاحبه خانم مسیح علینژاد نقشی داشت پرچم جمهوری اسلامی را آویزان میکرد.

^۲ - اگر نظر آقای آذری درست بود می توانست در سرتاسر برنامه گشایش المپیک «سوچی» همه جا بدون استثنا پرچم روسیه باشد و کسی اجازه حمل پرچم خود را نداشته باشد. ح-ک

مطرح بودن

ذلت آور ترین باور این است که انسان بهرشرانطی تن دهد که مطرح باشد. چه لزومی دارد که انسان زیرپرچم یک رژیم جنایتکارورژیمی که سی و چند سال است علیه او مبارزه حرفی میکند قرارگیرد که به نقل قول آقای آذری مطرح باشد؛^۳ خیلی کارهای ساده است که میتواند انسان رادرتمام دنیا مطرح سازد.

درهمین مصاحبه اگر اعلیحضرت لخت مادرزاد حاضر میشدند همه مردم دنیا به دیدن آن صحنه علاقمند میشدند تا به بینند که ایشان با آن وضع غیرعادی چه میفرمایند و مطرح مطرح میشدند.

این چنین مطرح بودن یعنی بعد از سی و پنجسال مخالفت، بالاخره زیر پرچم جمهوری رضایت به مصاحبه دادن، مسیریعت با جمهوری اسلامی را انتخاب و بنمایش در آوردن است.

مرز مخالفت و بیعت بسیار حساس است، درهمین کنفرانس ژنو^۲، موضوع سوریه، اخضر ابراهیمی نوشته است <کوشش من به اینکه اول نمایندگان سوریه وارد سالن شوند یا نمایندگان مخالفان به جانی نرسید زیرا آنکه دوم وارد میشد نوعی تسلیم و بیعت به شمار میرفت.>

دریک تظاهرات، مشاهده پرچم یک کشوری در دست تظاهرکنندگان بدون نیاز به یک کلمه صحبت دلیل بیعت تظاهرات با دولت صاحب پرچم است.

بیعت عملی با جمهوری اسلامی

نشستن زیر پرچم جمهوری اسلامی در مصاحبه ای که میلیون ها ایرانی و خارجی آنرا می بیند هیچ توجیهی ندارد جزییعت اعلیحضرت با جمهوری اسلامی. در گذشته در اظهارات اعلیحضرت نمونه هائی که تلفیق آن، بابیعت با جمهوری اسلامی مشهود است وجود داشت ولی بیعت عملی و عینی نبود و مصاحبه مورد بحث زیر پرچم جمهوری اسلامی بیعتی عملی با جمهوری اسلامی و مکمل بیعت های شفاهی است.

آنچه که هدف از تدارک این صحنه بوده فقط و انحصارا همین بوده که موضع مخالفت با جمهوری اسلامی در خارج از کشور به موضع مخالفت با عدم رعایت حقوق بشر محدود و محصور بشود.

^۳ شوربختانه این تنها نظر اعتقادی آقای سیاوش آذری نیست، در گذشته هر بار در مواردی به دبیرخانه اعلیحضرت اعتراض و انتقاد شده است همین نظریه را ارانه داده اند.... و شوربختانه بجای رعایت، کم گوی و گزیده گوی، زیاده گویی و پرگویی را جایگزین کرده اند، که البته زیان های آن غیر قابل جبران است. انسان متفکر و خردمند قدرت کلمات را بالا میبرد نه صدایش را! این باران است که باعث رشد گلها میشود نه رعد و برق. ح-ک

جراد نامه بیعت تدارک شد

ظاهر، در مصاحبه های اخیر اعلیحضرت به اختصار عرض شد اکنون به باطن آن مصاحبه ها پرداخته میشود.

در مصاحبه های اخیر که برای اعلیحضرت ترتیب داده شده است، پرسشها کاملا همآهنگ و در موضوع مشابه است، و در نتیجه پاسخهای اعلیحضرت هم یکنواخت و تکراری است و این امر حکایت از آن دارد که مصاحبه ها در جهت یک هدف مشخص پایه ریزی شده است، و آن پایه ایجاد اعتبار جهانی و مشروعیت و آغاز اقدامات و مساعی جمیله در روابط بین المللی برای شیخ حسن روحانی و دولت اوست.

پاسخ اعلیحضرت به هیچوجه در رد مشروعیت شیخ حسن روحانی و دولت او و محکوم کردن جمهوری اسلامی و فقدان مشروعیت نبود، بلکه فقط و انحصارا متوجه عدم رعایت حقوق بشر از جانب دولت روحانی بود و همین بارزه عدم رعایت حقوق بشر که بکرات در مصاحبه ها زیر بنای بیانات ایشان بود هدف واقعی از این مصاحبه ها بوده است زیرا:

آمریکا میخواهد به اعتبار موافقتنامه ژنو مسئله عدم رعایت حقوق بشر از جانب جمهوری اسلامی را در کنارتعهدات جمهوری اسلامی قرار دهد تا از سلاح تحریم ها همچنان استفاده کند. در حالیکه همانطور که در تحریرات سابقه عرض شد مسئله حقوق بشر موضوعی است بی ارتباط با غنی سازی اورانیوم و قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران.

آمریکا برای موفقیت در این امر، نیازه پشتیبانی ایرانیان دارد که در عین اینکه با بقای جمهوری اسلامی مخالفتی نداشته باشند خواستار ادامه تحریم ها و سختگیری ها برای آزادی زندانیان سیاسی و رعایت حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی باشند و بیانات اعلیحضرت در مصاحبه های مزبور درست و دقیقاً خواست آمریکا را تحکیم و پشتیبانی میکند به این شرح:

بابیعت عینی و علنی اعلیحضرت با جمهوری اسلامی (مصاحبه زیر پرچم جمهوری اسلامی) موضوع مخالفت و براندازی جمهوری اسلامی منتفی و خواست آمریکا تحقق یافته است، و با طرح جدی و اصرار اعلیحضرت در مصاحبه ها به اینکه مسئله حقوق بشر باید در ردیف تعهدات جمهوری اسلامی قرار داشته باشد ادعای آمریکا مبنی بر تسری موافقتنامه ژنو به مسئله حقوق بشر اصالت و قوت میبخشد، و بهانه آمریکا برای ادامه تحریم ها برقرار و استوار میشود.